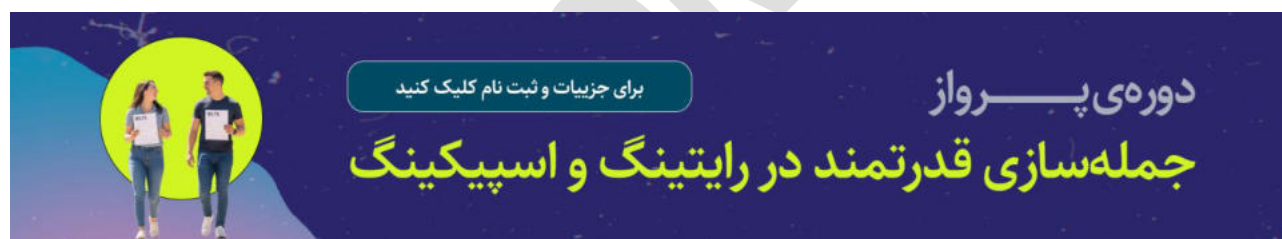


AWL SUBLIST 1

Academic Word List: Foundation Words & Families

کلیک کنید تا محصولات و خدمات آیلتس لمون را ببینید:



همنشین‌های کلیدی

Critically analyse

بررسی انتقادی و عمیق

Statistical analysis

تحلیل داده‌های آماری

In the final analysis

در نهایت / در جمع‌بندی

ابعاد معنایی

۱. کالبدشکافی دقیق

The scientist analysed the water samples.

۲. روانکاوی کردن

He was analysed by a famous therapist.

کاربرد در موقعیت

در دانشگاه، استاد از شما می‌خواهد که صرفاً داده‌ها را نخوانید، بلکه آن‌ها را **analyse** کنید تا الگوها کشف شوند. در دنیای تجارت، یک مدیر مالی باید ریسک‌های بازار را **analyse** کند. حتی در زندگی شخصی، گاهی لازم است رفتار خودمان را **analyse** کنیم (خودکاوی) تا ریشه مشکلات را بیابیم.

چالش فعال‌سازی و تحلیل

جملات فارسی را ترجمه کنید، سپس پاسخ صحیح و نکته آن را بررسی کنید:

بخش اول: جملات کلیدی

Analyse the results before deciding.

نوشته می‌شود Analyze نکته: در انگلیسی آمریکایی.

۱. نتایج را قبل از تصمیم‌گیری بررسی کن.

She is a sharp **financial analyst**.

برای شغل -ist نکته: پسوند.

۲. او یک تحلیلگر مالی باهوش است.

His approach was very **analytical**.

Analytical approach نکته: کالوکیشن رایج.

۳. رویکرد او بسیار تحلیلی بود.

The blood sample **was analysed**.

(Passive) نکته: ساختار مجهول.

۴. نمونه خون در آزمایشگاه آنالیز شد.

In the final analysis, honesty matters.

(Fixed Phrase) نکته: اصطلاح ثابت.

۵. در تحلیل نهایی، صداقت مهم است.

بخش دوم: کاربرد پیشرفته

Analyse the poem for metaphors.

کاربرد: ادبیات و نقد هنری.

۶. شعر را تحلیل کنید.

Software **automatically analyses** errors.

Automatically. قید.

۷. نرم‌افزار خودکار خطاها را آنالیز می‌کند.

An **analytical mind** is essential.

صفت برای ویژگی ذهنی.

۸. ذهن تحلیلی برای کدنویسی لازم است.

مأموریت نهایی

Mission: Write a paragraph analysing your recent purchase decision using target words.

آخرین خرید خود را در نظر بگیرید. فرآیند تصمیم‌گیری‌تان را با کلمات (Analyse, Cost-benefit) در یک پاراگراف بنویسید.

Approach

معانی اصلی

همنشین‌ها

۱. رویکرد / متد (اسم)

We need a new approach to solve this.

Hands-on approach

رویکرد عملی/درگیرانه

۲. نزدیک شدن (فعل)

Winter is approaching fast.

Adopt an approach

اتخاذ یک روش

۳. سر صحبت را باز کردن (فعل)

I approached my boss about a raise.

Cautious approach

رویکرد محتاطانه

سناریو

وقتی هواپیما به باند **approaches** می‌کند (فیزیکی)، خلبان باید تمرکز کند. در مدیریت شهری، برای حل ترافیک نیاز به یک **systematic approach** داریم (انتزاعی). در روابط، اگر استادان خوش‌اخلاق باشد، می‌گوییم او **approachable** است، اما اگر همیشه اخم کرده باشد، **unapproachable** به نظر می‌رسد.

تمرین و تحلیل

The train is **approaching the station**.

ندارد 'to' نکته: حرف اضافه

۱. قطار به ایستگاه نزدیک می‌شود.

We have a different **approach to** learning.

است 'to' نکته: حرف اضافه اسم معمولاً

۲. ما رویکرد متفاوتی داریم.

He **approached the manager** for a job.

معنی: درخواست کردن

۳. او برای کار با مدیر صحبت کرد.

This teacher is very **approachable**.

صفت مثبت شخصیتی

۴. معلم بسیار خوش‌برخوردی است.

The **traditional approach** doesn't work.

Traditional vs Modern. تقابل

۵. رویکرد سنتی دیگر کارساز نیست.

Let's **approach the problem** cautiously.

قید: Cautiously.

۶. بیایید محتاطانه برخورد کنیم.

The storm **was approaching**.

نزدیک شدن زمانی/مکانی

۷. طوفان نزدیک می‌شد.

A **pragmatic approach**.

همنشین عالی سطح پیشرفته

۸. رویکرد عمل‌گرا.

مأموریت نهایی

Describe two different approaches (strict vs flexible) to solve a personal habit.

یک چالش شخصی (مثل تنبلی) را در نظر بگیرید. دو "Approach" متفاوت (یکی سخت‌گیرانه، یکی ملایم) برای حل آن بنویسید.

Concept Focus

طیف معنایی

۳. مساحت (ریاضی) Area of a circle	۲. حوزه/حیطه (انتزاعی) Area of expertise	۱. منطقه (فیزیکی) Rural areas
--------------------------------------	---	----------------------------------

کاربرد در زندگی

ابتدا به ساده‌ترین کاربرد فکر کنید: وقتی خانه‌ای می‌خرید، امنیت آن **area** (محل) مهم است. در دانشگاه، استاد می‌پرسد به کدام **area** (حوزه تخصصی) علاقه دارید؟ گاهی در قانون به بن‌بست می‌خوریم؛ جایی که قوانین شفاف نیستند و وارد یک **gray area** (ناحیه خاکستری/مبهم) شده‌ایم.

کالوکیشن‌های ضروری

Subject area (حوزه درسی)

Residential area (منطقه مسکونی)

Key area (حوزه کلیدی)

Gray area (ناحیه مبهم)

تمرین ترجمه و تحلیل

Smoking is prohibited in this area .	۱. سیگار کشیدن در این محل ممنوع است.
Math is not my area of expertise . "جمله مودبانه برای "بلد نیستم"	۲. ریاضیات حوزه تخصص من نیست.
Legal issues often have gray areas . اصطلاح: Gray area.	۳. مسائل حقوقی نقاط مبهم زیادی دارند.
The area of the room is 20 sqm.	۴. مساحت اتاق ۲۰ متر است.
Weak in all areas of management . اشاره به جنبه‌های شغلی	۵. او در تمام حوزه‌های مدیریت ضعیف است.
Focus on growth areas .	۶. ما باید روی حوزه‌های رشد تمرکز کنیم.
This is a protected area .	۷. این یک منطقه حفاظت شده است.
Rural areas have poor internet. تضاد: Urban areas.	۸. مناطق روستایی اینترنت ضعیفی دارند.

مأموریت نهایی

Identify three key areas of skill required in your field and explain why.

سه "Area" (حیطه) اصلی که باید در شغل یا رشته خود در آن‌ها مهارت کسب کنید را لیست کنید.